

فلسفه در جهان اسلام

درآمدی بسیار کوتاه

پیتر آدامسون

ترجمه‌ی زرین طالبانی، عنایت امین بی‌دختی



سرشناسه: آدامسون، پیتر، ۱۹۷۲ - م. Adamson, Peter

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه در جهان اسلام: درآمدی بسیار کوتاه/ نویسنده: پیتر آدامسون؛ مترجمان: زرین مناجاتی، حنیف امین بیدختی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شُوند، ۱۳۹۸. ● مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۹-۱۸-۴ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Philosophy in the Islamic World: A Very Short Introduction, 2018

موضوع: فلسفه‌ی اسلامی ● موضوع: Islamic Philosophy

شناسه افزوده: امین بیدختی، حنیف، ۱۳۶۲ - مترجم

شناسه افزوده: مناجاتی، زرین، ۱۳۶۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ف۷۴۱/۴ ● رده‌بندی دیویی: ۱۸۱/۰۷ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۶۳۶۵۱۲

Philosophy in the Islamic World A Very Short Introduction

Peter Adamson

Zarrin Monajati, Hanif Amin Beidokhti



تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، پلاک ۳۰، جبهه ۲، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ تلفن: ۸۸۳۹۲۷۰۲ - ۰۲۱ نمابر: ۱۵۲۵۹ - ۰۲۱

ناشر: شُوند

فلسفه در جهان اسلام پیتر آدامسون زرین مناجاتی، حنیف امین بیدختی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸، تهران تیراژ: ۷۰۰ نسخه قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: طهرانی

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-622-6359-18-4

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۹-۱۸-۴

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست گنجانیده‌ها

۶	سیاهه‌ی تصوّر ها
۷	سیاهه‌ی نقشه‌ها
۱۱	یادداشت مترجمان
۱۷	یادداشت نویسنده برای خوانندگان در زبان فارسی
۲۱	دبیاچه
۲۷	فصل اول: گشت و گذاری تاریخی
۶۱	فصل دوم: عقل و وحی
۸۹	فصل سوم: خداوند و هستی
۱۱۳	فصل چهارم: قدّم و جاودانگی
۱۴۱	فصل پنجم: علم و شناخت
۱۶۹	فصل ششم: اخلاق و سیاست
۲۰۱	گاه‌شمار فلسفه در جهان اسلام
۲۰۹	پرسش‌هایی برای اندیشیدن و گفتگو
۲۱۳	برای مطالعه‌ی بیشتر
۲۲۱	واژه‌نامه
۲۳۵	نمایه

یادداشت مترجمان

بسیار خوشنودیم که کار برگردان این کتاب کوچک به سرانجام رسید. این نخستین کتابی که از پیر آدامسون به فارسی برگردانده می‌شود، یکی از عنوان‌های مجموعه‌ی بسیار محبوب در آثارهای بسیار کوتاه از انتشارات آکسفورد است. اهمیت کتاب در این است که به‌رغم حجم کم، دیدی گسترده و گشوده دارد و به زبانی نوشته شده است، که حد فاصل زبان تخصصی فلسفه و زبان عادی گفتگوی رسمی است. افزون بر این‌ها، نویسنده‌ی آن است که شمار تاریخ‌نگاران فلسفه است، که حوزه‌ی تخصصی او فلسفه‌ی باستان سپسین^۱ فلسفه در جهان اسلام است. نویسنده کوشیده است در این حجم کم هدفی به ظاهر دست‌نیافتنی را نشانه رود: او می‌کوشد تاریخ فلسفه در جهان اسلام را به گونه‌ای نور تازه بنویسد، و نشان دهد که تاریخ فلسفه در جهان اسلام بسی فراتر از تلقی رایج از آن در درون و بیرون از جهان اسلام می‌رود.

شرح این تفاوت را البته باید به عهده‌ی خود کتاب و نویسنده گذاشت. مترجمان در این یادداشت بر سر آن‌اند، که اندکی از شیوه‌ی کار خود در این ترجمه و دیگر ویژگی‌های کتاب بگویند. چنان‌که اشاره رفت، زبان نویسنده در کتاب از زبان خشک فلسفی دورتر و به زبان گفتگوهای رسمی نزدیک‌تر است. مترجمان گرچه کوشیده‌اند این ویژگی سبکی را پاس دارند، گاه ناگزیر بوده‌اند تا لحن ترجمه را به

1. Very Short Introduction

2. late ancient

گفتگوی رسمی فارسی نزدیک‌تر کنند تا روح نوشته‌ی انگلیسی، و نه ظاهر آن، پاس داشته شود. این کار البته با هماهنگی و به تأیید خود نویسنده انجام شده است. در اثنای ترجمه، برای برگرداندن واژگان تخصصی و فنی ناگزیر بودیم تا به متن‌های اصلی عربی و فارسی مراجعه کنیم و واژگان اصیل را به کار ببریم. این کار در بیشتر موارد بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود، چرا که نویسنده بنا بر سرشت درآمدگونه و غیر آزرهشی کتاب، هرگز به نوشته‌های اصلی مورد استفاده‌ی خود ارجاع نمی‌دهد، و نیز در اغلب موارد واژه‌ی عربی یا فارسی مورد نظر خود را ترانویسی نمی‌کند. ولیک از واژگانی در زبان انگلیسی بهره می‌برد، که در زبان نیمه تخصصی فلسفی رایج‌اند، از این رو خواننده‌ی انگلیسی زبان را چندان رهنمی نمی‌کنند، حال آن‌که برای خواننده‌ی فارسی زبان این واژگان فلسفی عربی یا فارسی دوران میانه می‌تواند با کاربرد امروزی آن‌ها متفاوت باشد. در نتیجه نمی‌توانستیم واژگان را با توجه به درک امروزی خود به فارسی برگردانیم. هر که لازم دیدیم، خود واژه‌ی انگلیسی را هم در پانویس در حالت مفرد و بدون حرف تعریف، آورده‌ایم. همچنین، کوشیدیم تا سرحد امکان برخی از این منابع‌ها را در پانویس معرفی کنیم، چرا که گمان می‌کردیم اقتضای یک متن درآمدگونه در زبان فارسی در این حد از سطح اقتضای زبان انگلیسی بالاتر است، و خواننده‌ی فارسی زبان امکان بیشتری دارد برای دسترسی به متن‌های اصلی عربی و فارسی. همچنین نویسنده گاه به گاه از برخی واژه‌های متفاوت برای واژه‌ی عربی یا فارسی یگانه‌ای بهره می‌برد، تا مطلب را به مخاطب غیر متخصص علاقه‌مند در زبان انگلیسی القا کند، ولی این کار در زبان فارسی و عربی در زبان‌های مبانی چنین نوشته‌ای به حساب می‌آیند، نه ممکن بود و نه مطلوب. همچنین کوشیدیم تا در بیشتر موارد اصطلاحات عربی را نیز به فارسی ترجمه کنیم، تا متن برای خوانندگان علاقه‌مندی که با زبان فنی فلسفه در جهان اسلام آشنایی ندارند دشوارخوان نباشد.

۱. برای نمونه می‌توان از واژه‌ی abstraction یاد کرد، که در نوشته‌های فلسفی هم‌روزگار بیشتر به انتزاع و برآنجنیدن/آهنجش (برگرفته از نوشته‌های ناصر خسرو و ابن سینا) برگردانده می‌شود، حال آن‌که در این کتاب همواره برگردان واژه‌ی «تجرید» است.

در این راستا نیز بیشتر از نوشته‌های فارسی فیلسوفان سنت خودمان بهره برده‌ایم. پانویس‌های کتاب همه از مترجمان‌اند، و نیز آن‌چه در میان قلاب‌ها ([]) آمده است. در اندک مواردی که نویسنده از نوشته‌ای نقل قول مستقیم می‌کند، کوشیدیم منبع بازگفت‌ها را بیابیم و اصل عربی بازگفت را در کنار ترجمه‌ی فارسی آن بیاوریم. برای برگردان قرآن کریم از ترجمه‌ی استاد عبدالمحمد آیتی بهره برده‌ایم. همچنین کوشیدیم بر نظر به دیگر نوشته‌های فلسفی از ترجمه‌های فارسی شایسته‌ای، که در دنیای خوانندگان در زبان فارسی‌اند، استفاده کنیم.

مخاطب کتاب در زبان انگلیسی آن دسته از علاقه‌مندان و دانشجویان فلسفه و اسلام‌شناسی است، که در حوزه‌ی فلسفه در جهان اسلام تازه‌وارد به شمار می‌آیند، و یا متخصصانی‌اند که برای ترویج آشنایی بیشتر با فلسفه در جهان اسلام نیست، ولی داشتن دانش تاریخی فلسفه برای ایشان الزامی است. بر همین قیاس، برگردان فارسی نیز می‌تواند، علاوه بر علاقه‌مندان به فلسفه، نیازهای اولیه‌ی دانشجویان سال‌های نخست فلسفه را - و نیز دیگر دانشجویان علوم انسانی، که باید دانشی اجمالی از فلسفه در جهان اسلام داشته باشند - تأمین کند. روکرد کلی کتاب هم تاریخی و هم موضوع‌محور است، به این ترتیب که در فصل نخست، نویسنده طرحی مختصر و اجمالی از سیر فلسفه در جهان اسلام، از نخستین نام‌ها تا دوران معاصر، ترسیم می‌کند، که می‌تواند کارکرد نقشه‌ی راهنما برای فصل‌های موضوع‌محور پس از خود را بازی کند، و سپس در فصل‌های دیگر چند موضوع برگزیده را به صورت نظام‌مند و تاریخی برمی‌رسد و در هر مورد می‌کوشد تا داستان را از آغاز تا امروز بازگوید. پوشش دادن این گستره‌ی زمانی کاری است، که در کتاب‌های تخصصی‌تر و مفصل‌تر نیز تا کنون به این شیوه انجام نشده است. نویسنده در این راستا نه تنها به روند گسترش فلسفه در قلب جهان اسلام در خاورزمین می‌پردازد، که اشاره‌هایی سودمند به بحث‌های فلسفی در هندوستان، سرزمین‌های عثمانی و نیز باختر جهان اسلام در اسپانیای مسلمان هم دارد. همچنین می‌کوشد گفتگو از فلسفه، کلام و فقه یهودی در دوران میانه و نیز فلسفه‌ورزی‌های مسیحیان جهان اسلام را نیز در این بستر

بنشانند، که خاکِ پرورنده و سرزمینِ مادرِ این بحث‌ها است. با این که بسیاری از این فیلسوفانِ یهودی و مسیحی نه تنها در جهانِ اسلام زیسته‌اند، که در اندیشه‌ورزی‌شان نیز آشکارا زیرِ تأثیرِ بحث‌های کلامی و فلسفی در جهانِ اسلام بوده‌اند، ولی این نکته از بیشترِ کتاب‌های تاریخِ فلسفه در جهانِ اسلام غایب بوده است. به این ترتیب، او خصیصه‌ای را برجسته می‌کند، که ذاتیِ فرهنگِ اسلامیِ دورانِ میانه بوده است، و آن همانا همزیستیِ طبیعی و آشتی‌جویانه‌ی فرهنگ‌ها، دین‌ها و زبان‌های مختلف در جهانِ اسلام است؛ و این نکته‌ای است با اهمیتِ سیاسی بسیار، که باید به همه‌ی مخاطبانِ معاصر، چه بیرون و چه درونِ جهانِ اسلام، گوشزد شود. همچنین، نیتِ نویسنده از ماجرای فکرِ فلسفی در جهانِ اسلام به دریافتِ سنتیِ مسلمانانِ بسیار نزدیک‌تر است: داستانی است سراسر پیوستگی بی هیچ گسستی، داستانِ گسترش و تداوم است و نه انحطاط و امتناع. این گسترش البته گاه تند و جریان‌شکن بوده است مانند رفراندوم‌های خواجه رئیس یا سهروردی یا ملّا صدرا، و گاه کند و سرگرم‌کننده، مانند فلسفه‌ورزی‌های شاگردانِ ابن سینا یا مکتبِ کندی و صدرایان؛ از این نظر، فلسفه در جهانِ اسلام استثناء و بی‌همانند هم نیست، بلکه به‌خوبی مقایسه‌پذیر است با فلسفه‌ی لاتینی در اواخرِ دورانِ میانه، فلسفه‌ی نوکانتی در سده‌ی نوزدهم، و نیز فلسفه‌ی تحلیلیِ هم‌روزگار، که در آن فیلسوفانِ بیشترِ سرگرمِ تدقیق و تصحیحِ جزئیاتِ فلسفی می‌ایند، که به میانجیِ پدرانِ فلسفی‌شان فراهم و گسترده شده است. ولی هر چه شد تاریخِ اندیشه در جهانِ اسلام هرگز تهی از فلسفه نبوده است. هر چند باید گاه تردید کرد، که اگرچه روایتِ نویسنده به درکِ تاریخیِ مسلمانانِ نزدیک‌تر است، ولی آدمسون به‌عنوان پژوهشگرِ تاریخِ فلسفه، گاه انگشت بر چهره‌هایی می‌گذارد که در شکل‌دهی به اندیشه‌ی فلسفیِ پرتأثیر بوده‌اند، ولی میزانِ اهمیت‌شان برای خواننده‌ی امروزی چندان روشن نیست، چهره‌هایی مانند فخر الدینِ رازی یا ابنِ مسکویه و ابوالبرکاتِ بغدادی. این واپسین نکته است که از کتابِ منبعی می‌سازد سرشار از اندیشه‌هایی برای پژوهش‌های تازه که می‌توانند برای دانشجویانِ فلسفه سودمند باشند.

در برگردان کتاب لازم بود همه‌ی تاریخ‌ها را با گاه‌شمار ایرانی-اسلامی نیز هماهنگ کنیم، در این راستا البته، جز در موردهایی اندک، به تاریخ‌های هجری قمری بسنده کرده‌ایم، چرا که یافتن برابر خورشیدی برای بسیاری از تاریخ‌ها ممکن نبود. همچنین بایست برخی نام‌های لاتینی شده را به اصل عربی، فارسی یا عبری آن‌ها برمی‌گردانیدیم، و برای این کار به منبع‌های زندگینامه‌ای فارسی و عربی مراجعه کردیم، بی‌ازارجاج به منبع‌ها در چنین مواردی چشم پوشیدیم. در میانه‌های این سؤالات به چند اشتباه سهوی در کتاب برخوردیم، که در ترجمه‌ی فارسی به صورت دست‌نویس ثبت کردیم. این سهوها را به آگاهی نویسنده هم رساندیم، تا در چاپ‌های بعدی کتاب انگلیسی اصلاح شوند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم تا از نویسنده‌ی کتاب آقای پتر آدامسون برای همراهی‌شان در گشودن پاره‌ای از امام‌های نوشته‌ی انگلیسی، و نیز قبول زحمت نوشتن یادداشتی برای برگردان فارسی سپاسگزاری کنیم. همچنین از انتشارات آکسفورد سپاسگزاریم که اجازه‌ی چاپ این کتاب خود را به ما دادند، و نیز از دوستان نشر شوند، به‌ویژه آقای مهرداد پارسا، که از میچ گونه کمکی دریغ نکردند. دوستان گرامی مان آقایان محمدابراهیم باسط و بشیر یدخوش با چشمان تیزبین خود نسخه‌ای از این ترجمه را خواندند و پیشنهاد راه‌کارهایی سودمند ارائه کردند، که به بهبود این برگردان کمک بسیار کرد؛ از ایشان سپاس ویژه داریم. بدیهی است که مسئولیت نادرستی‌ها و کاستی‌های برگردان فارسی تنها بر گرده مترجمان است.